

عوامل بیولوژیکی و اجتماعی و بزهکاری اطفال و نوجوانان

از دکتر مهدی کی‌نیا استاد دانشگاه

«آمارگران عوامل خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی را در بزهکاری نوجوانان، واجد اهمیت اصلی و اساسی می‌شمارند. آنان حق دارند که چنین پندارند اما بررسیهای آنان که برای جهت‌یابی یک سیاست مؤثر در پیشگیری از جرم است روشنگر بسیار مفید و ارزنده در درمان هر مورد خاص نتواند بود زیرا در این بررسیها نمیتوان دریافت‌کسه هدف تلاش آنان تعیین اثرات این عوامل بر مجموعه ویژگی‌های روانی کودک است یا بر قوای عاقله، بر عواطف یا بر رفتار او؟»

پیدا است که کار آمارگران چیزی جز شمارش و نمایش ساده روابط اعمال مجرمانه عوامل جرم‌زا نیست. با حفظ ارزش توصیف سطحی و بیان روابط کمی دست آورده‌های آمارگران، برای تحلیل و تبیین عمیق و کیفیت

به این پرسش، بسیاری از پژوهندگان و متخصصان در جرم‌شناسی، روانشناسی، روانکاو، روانپزشکی، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، خداشناسی، و حتی دست‌اندرکاران سیاست و اقتصاد و فلسفه و ادبیات نیز جواب گفته‌اند.

یکی از محققان نام‌آور جهان کودک و نوجوان به نام ژان‌شازال مستشار دیوان کشور فرانسه و رئیس انتخاری انجمن بین-المللی قضات اطفال در آثار متعدد خود، از «جمله کودک‌کی بزهکار»^۱ یا «بزهکاری کودک» باروشی که جرم‌شناسان در پیش دارند به تجزیه و تحلیل و توجیه و تعلیل عوامل جرم‌زا در کودکان و نوجوانان پرداخته است. آنچه در ذیل می‌آید اقتباسی از اثر او است.



که کیفیت جریانات معرف‌النفسی کنش‌های
زیانبخش این عوامل نمایانده شود .
«تلقین‌پذیری کودکان را باید درمید
نظر داشت ، اعمال عالی‌کنترل در آنان هنوز
به‌قدر کافی آسادگی و قوام نیافته است و در نتیجه
کودکان نمیتوانند همیشه عواقب اعمال
خود را پیش‌بینی کنند و در برابر جذبه‌ها
و تحریکات جهان خارج مقاومت ورزند .

کودک به اقتضای طبع در زمان زندگی
سیکند همچنین کودکان را میل به تقلید
بسیار قوی است و باید قوانین این محرک
روانی را مسلم دانست . بالاخره باید اهمیت

جرم‌زائی عوامل و مواضعی که عوامل بر آن
تأثیر نهاده‌اند باید از روانشناسی ، مربی ،
پزشک متخصص و روانکاو یاری خواست .

« در این بحثی نیست که سرمشق‌های مضر
و مخاطره‌انگیز جرم‌زا هستند خواه عالماً و
عامداً به کودکان ارائه شده باشند یا آنکه
ثمرهٔ یک زندگی مشوش و یا به‌طور کلی
بر اثر نگهداری کودک در بسکن نامناسب
و کاشانه‌های پست و محقر باشد یا بسد
آموزیهای والدین ، دوستان ، صحنه‌های
فساد انگیز کوچک‌ها ، مطبوعات ، شخصیتها
ویازیگران روی پرده‌های سینما موجب بروز
جرم شده باشند آنچه اهمیت دارد این است

قابل ملاحظه‌ای که سرمشقها و نمونه‌ها ، در تحریک هیجانی کودک ، در برداردن خاطر نشان شود . کودک به عینیت دادن خود بر سر مشقها و نمونه‌ها یا یکسان سازی یا همانندسازی خود با آنها نیازمند است .

مکانیسمهاییکه برشمردیم بر اثر ظهور مکانیسمهای دیگر تکمیل میشوند و به کمک آنها میتوان حتی عمل‌گروهی را نیز توجیه کرد .

کودک از محیط جدا و از تأثیر آن برکنار نیست : محیط خانوادگی ، محیط معاشرت بادوستان ، گروههای نوجوان ، باندها ، محیطهای بومی یا اقتصادی هر یک به گونه‌ای در رشد و شکل‌گیری روانی کودک مؤثرند . کودک شریک هیجانات موجودات دیگر میشود ، در نیازها و اندیشه‌ها شرکت می‌ورزد و طرحها میسازد . این اتحاد و مشارکت موجب میشود که محیط او را به شدت آلوده سازد زیرا او به رغبت سبک زندگی خود را سدرجاً از سبک زندگی اطرافیان خویش برمیگزیند و سرنوشت او با سرنوشت آنها پیوند می‌خورد . اجتماعی نبودن یا ضد اجتماعی بودن اطرافیان بر کودک استیلا می‌یابد . محیطهای بی‌بندوبار ، ناپایدارترند ، انسانهای و قهرمان‌پرور ، محیطهای کولی ، محیطهای کهنه جمع‌کن‌های منطقه ، باندهای کودکان سحانه‌گری ، نوجوانان تحت تأثیر قرار میدهند به طوریکه رفتار اینان بازتابی از نفوذ آنهاست .

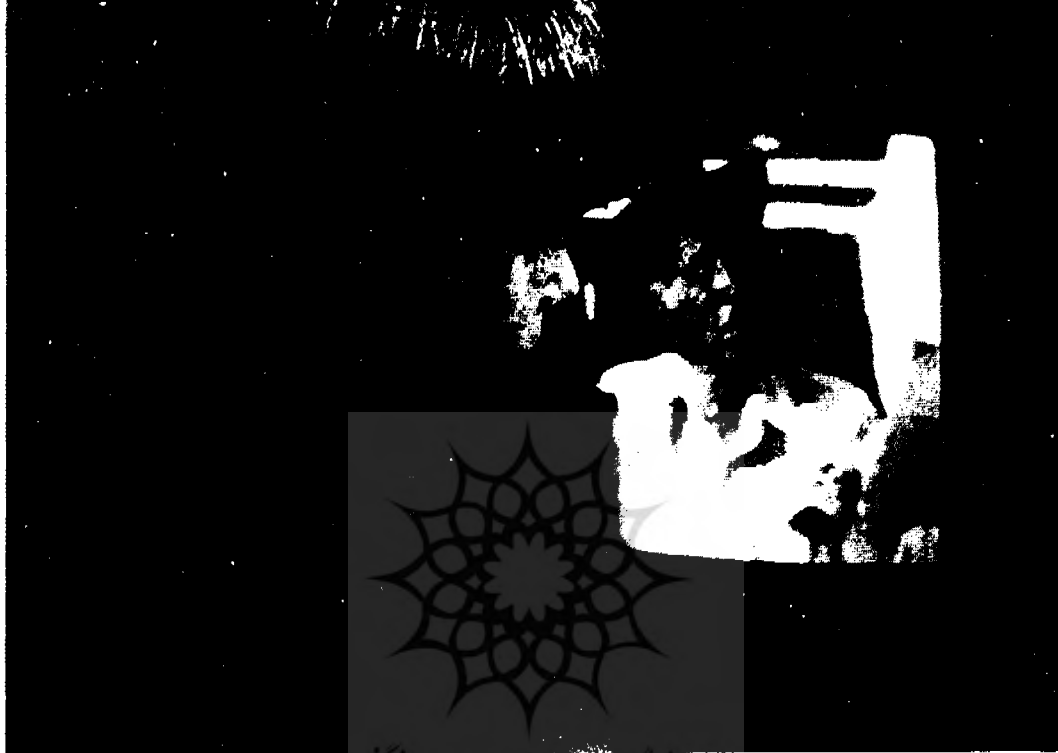
«اغلب این مکانیسمهای القاء‌گر آلوده‌ساز بر اثر مکانیسمهای جدید یکسان‌سازی تقویت میشوند . این مکانیسمها نیروهای خود را از حیات‌گروهی اخذ میکنند و رفتار اعضای یک باند ، از آنکه از همه

قویتر و برتر یا مکارتر است یا از آنکه دارای ممتازترین شخصیت و از موهبت خوش‌محضری برخوردار است سرشقی میگیرند .

کنش مکانیسمهای اجتماع - روانی القاء‌گر آلوده‌ساز و یکسان‌سازی ، از چهار - چوب روابط کودک با خانواده یا گروه بومی ، اجتماعی ، اقتصادی ، تحصیلی یا حرفه‌ای میگردد . آیا بعضی از جنبه‌های زندگی نوین را نباید به مشابه عامل قوی جرم‌زا تلقی کرد ؟ شکی نیست که زندگی صنعتی ، مشکلاتی با خود به همراه می‌آورد که خواه ناخواه کودک را هم تحت تأثیر قرار میدهد . در نظام صنعتی همبستگی عاطفی از هم‌گسیخته میشود ، پیوند خانوادگی روبه سستی می‌نهد ، سنت‌ها شکسته میشود ، تأثیر پذیری عواطف دگرگون میگردد . سرعت و سبقت‌آزویزی - های زندگی صنعتی در برابر زندگی آرام‌و پراز صفا و خلوص و همکاری محیط کشاورزی قرار میگیرد . رؤیای کودک شهرهای بزرگ صنعتی سبقت‌جویی از همگنان خود است برای او نیل به این هدف اهمیت دارد دیگر اوبه مشروعیت وسایل نمی‌اندیشد .

دسته‌ای دیگر از نوجوانان از تأثیر شوم جنگ‌رهائی نیافتدند (در باره محیط کشاورزی ، صنعتی ، جنگ ، انقلاب و شورش ، جداگانه بحث‌هایی مشروح خواهیم داشت) . همچنین مسأله تأثیر تراکم جمعیت و «مسکن» که به صورت «مجموعه بزرگ» ساخته میشود مسائل پیچیده‌ای را در جرم - شناسی مطرح میسازد و نوجوانان را در آستانه خطر قرار میدهد و سازگاری اجتماعی آنانرا مورد تهدید قرار میدهد .

باید پرسید آیا سینما و مطبوعات ، به طور کلی ، برای نوجوانان از عوامل جرم -



زای مستقیم نیست ؟
 نمیتوان منکر این نکته شد که تصویر
 سینمایی ، به ویژه برای کودک ، بسیار ایفاگر
 است و به شدت او را تحت تأثیر خود قرار
 میدهد . سینما یک تحرک قوی است که
 نیروی آن در اثر شرایطی که مربوط به تماشای
 فیلم است از قبیل تاریکی تالار ، عزلت
 تماشاگر ، روشنائی پرده ، آهنگی که به همراه
 داستان پخش میشود ، شدت فوق العاده
 مییابد .

کودکی که به تماشای فیلم پسر
 زد و خورد ، جنائی ، سرقت ، خشونت یا امور
 جنسی می نشیند در حالتی شبیه هیپنوز فرو میرود
 که در روزهای پس از تماشای آن سبکست

اعمالی مجرمانه از او سرزند که تقلیدی
 خالص از نقش قهرمان فیلم باشد . درباره
 تأثیر بدو خوب سینما ، نظرهای متفاوت و
 متضادی وجود دارد که از آن جمله نظریه
 طرفداران فروید است و ما آنرا در جامعه -
 شناسی جنائی مطرح ساخته ایم^۲ و در فرصتی
 مناسب به تکمیل آن پرداخته خواهد شد. در اینجا
 مناظر شازال را دنبال میکنیم که مینویسد :
 « ما به ندرت به سوء کشش سینما برخوردیم
 ولی همیشه این تأثیر نامطلوب در افرادی
 مشاهده شد که نقایص مربوط به سنش یا
 ادراک آنان موجب آمادگی برای تلقین
 پذیری یا تحریک به وسیله تصویر شده
 است . »

طبق این نظریه تماشای سینما موجب میشود که استعدادی از قوه به فعل درآید . آیا نظریه طرفداران فروید را میتوان پذیرفت که گفته‌اند سینما به منزله «ملین» یا «سهل» روانی است^۳ که به کودک اجازه میدهد که در خلال تماشا تصویر خود را از فشارها و محرک پرخاشگری رهایی بخشد . بدون افکار تمام ارزش این نظریه روانکاوی ، باید دروضع کنونی فیلم‌شناسی ، با احتیاط قسمتی از این نظریه را پذیرفت . اگر فیلمهای پرزدخورد و صحنه‌های خشونت آمیز ، روحیه پرخاشگری کودک یا نوجوانان را تسکین میدهد و آنانرا سبکبار میسازد ، فیلمهای جنسی ، به عکس برهیجان آنان می‌افزاید و راه کج و انحراف و تجاوز را به سوی آنان میگشاید . البته فیلمهاییکه به دقت بررسی شود و دارای پیامهای مفیدآموزنده باشد میتواند به مثابه یک وسیله مؤثر روان درمانی^۴ برای نوجوانان تماشاگر ، شفابخش تلقی گردد .

مکانیسمهای اساسی کنش سینما را چگونه میتوان تجزیه و تحلیل کرد؟ می‌گویند نوجوان ، درجلوی پرده سینما ، فنون جنایت را می‌آموزد همچنین می‌گویند بعضی از فیلمها، درنوجوانان ، پرخاشگری را برمی‌انگیزاند یا موجب تحریک جنسی او میشود .

شازال ، رد یا قبول تمام این نظریه‌ها را مورد تأمل قرار داد و جرم‌زائی فیلم را نسبت به کودک ، مربوط به زندگی او درجهان واقعی سیناتوگرافیک شناخت و نوشت که این امر را باید برحسب رفت و آمدهای افراطی او در تالارهای سینما سنجید . اغلب نوجوانان بزهکار پارسی ، هفته‌ای سه الی شش بار به سینما میروند آنها کنش مکانیسمهای القاء گرویکسان‌سازی را تحمل میکنند .

کودکی که پی‌درپی به سینما می‌رود مستغرق درجهان رؤیائی سینماتوگرافیک است ، تصویر فیلمی ، در نظر او ، زنده‌ترین بیان واقعیت است . سینماگریک شعبده‌باز است .

در خلال هنر او ، خصوصیات ساختگسی و تصنعی نا به‌هیچ‌جا یا استثنائی یک وضعیت از بین می‌رود و تماشاگر احساس حقیقت میکند . از اینجا میتوان پی‌برد که بعضی از فیلمها تاچه حد برای نوجوان تماشاگر افراطی زیان‌بخش است . این فیلمها عبارتند از فیلمهای ناسالم و فسادانگیز تجملی ، فیلمهاییکه دارای صحنه‌های پرزد و خورد ، خشونت ، شکنجه ، سرت ، راهزنی‌وهتک حرزاست. فیلمهاییکه درآن بر اثر افسون سینماگر، سردان برتر درگیر ساجراه‌سای بی‌هدف میشوند و بر سخت‌ترین موانع فائق می‌گردند . فیلمهاییکه از آن تجاوز جنسی و بهیبت در ذهن جاسیگردد فیلمی که در آن زن همیشه و شرافت خود را فدای هوس مردی شهوتران میسازد و به‌پولی تبدیل میشود که بر سر آن قماربازند ... تماشای مستمر تکراری اینگونه فیلمها کودک را به راه جرم و فرار میکشاند. توهم درنظر او حقیقت جلوه‌گر میشود و به تدریج اعمال و رفتار او را تحت تأثیر قرار میدهد . فشارها و تمایلات ضد اجتماعی که فیلمهای زیانبخش میتواند در کودک ایجاد کند و یا محیط در او برانگیخته است مسری و خطرناک میشوند .

القاه و آلوده‌سازی فیلم از یک‌سو و مکانیسم عینیت یافتن نوجوان تماشاگر بر بعضی از شخصیت‌های پرده سینما از دیگر سو باهم درآمیخته موجب میشود که نوجوان پیوند خود را از جامعه بگسلد و مقتون و

بقیه در صفحه ۶۲

مجدوب قدرت ، شکوه و جلال ، لباسهای فاخر ، ثروت بیکران و گشاده دستی بازیگران فیلم و زیبایی صحنه های آن گردد و گاهی نیز اوضاع فلاکت بار و بینوائی دیگر بازیگران او را به سوی خود میکشاند .

بالاخره باید خاطر نشان کرد : کودکی که تقریباً هر روز به سینما میرود و خود را در نقشهای گوناگون بازیگران فیلم می بیند نمیتواند خویشتن را با آهنگهای روزمره زندگی مطبق سازد ، خانواده و کار برای او یکنواخت و خسته کننده خواهد شد ، در بی نظمی و غوغای اجتماعی او به دنبال ماجراجویی میرود .

مسئلاً سینماییکه به عنوان یک کانون اجتماعی مانع از ولگردی است و ارزش فرهنگی ، هنری ، تربیتی دربردارد از حساب فیلمهای زیان بخش ، بدآسوز ، جرم زا جدا است . مافقط بعضی از فیلمها را محکوم میکنیم بیه ویژه آنچه برای کودکان بی سرپرست و ولگرد زیان بخش است ، این کودکان که ملجاء و ماوائی ندارند از مشتریان دائمی تالارهای سینما هستند چون از سرپرستی و هدایت و تربیت والدین خود محروم هستند بیش از سایر کودکان در معرض خطر و سوسه ها و بدآسوزیهای فیلم قرار میگیرند .

نکاتی که درباره خطرات و آثار زیان بخش فیلمهای بدآسوز خاطر نشان گردید موجب شد که بعضی از دول به موجب قانون بر مطبوعات جوانان (مطبوعات به معنای اعم کلمه که شامل سینما ، تلویزیون ، رادیو ، روزنامه ، مجله ، کتاب و غیره میشود) نظارتی دقیق

داشته باشند . آقای شازال از تأثیر نیکوی اجرای قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۱ کشور خود در این زمینه باتحسین فراوان از نظارت کمیسیون مراقبت سخن گفته است .

عواملی که مورد بررسی قرار گرفت ، مزاج و تأثیر پذیری کودک و مکانیسمهای روانی ، جنبه های عاطفی و ادراکی که بر آن استیلاء دارند از عوامل اساسی مؤثر در بزهکاری کودک میباشد . اما در شناخت سبب بزهکاری ، باید گفت چندین عامل بیرونی هم وجود دارند که موجب برانگیختگی دیگر مکانیسمهای روانی میشوند . کودک بر اثر فقدان نظارت خانوادگی -

اغلب موارد در اثر اوضاع نابه سامان مسکن و مشکلات ناشی از آن ، انحلال خانواده ، بی نظمی و سوء رفتار والدین - خیلی زود بر - انگیزخته و مجذوب لذات سهل الحصول و گوناگون میگردد . سینما ، مجالس رقص ، وسایل بازی در کافه ها و تریاها ، فوتبال دستی ، دختران ، قمار ، الکل ، باند برای نوجوانان جاذبه سحرانگیزی می دارند . - برای چه این لذات و این موقعیتهای سرور انگیز برای کودکان و نوجوانان تا بدین حد جذاب و فریبنده است ؟

این امور در جهت موافق لذت گرائسی کودک ، نیاز او به بازی و حرکت ، نیاز او به امور شگفت انگیز و خارق العاده و حوادث ، نیاز او به درخشندگی و زرق و برق ، به هم و غم او در تقلب و گول زدن اولیای امور اجتماعی است . (البته اجتماعی که هم سطح خانواده است .)

تلاش این لذات که خواسته نهاد سرکش آدمی است مخارجی را ایجاب میکند که باید پرداخته شود . نوجوانان و نوبالغان برای به دست آوردن پول مورد نیاز ، به طرق

مختلف به دزدی کشانده میشوند . سالها بعد ، گاهی دست به حملات شبانه خواهندزد . کودک و نوجوان برای شکوهمندی سیر و سیاحت و تفریح و کامجویی خود هرچه بیشتر به پول احتیاج دارد . از جیب پدر ، از کیف مادر ، از زیرزمین ها ، از خانه های خلوت ، از انبارها ، از کیوسکها ، از مغازه ها ، از فروشگاهها می دزدد . شرکت دربانند به کودک جرأت و جسارت و گستاخی می بخشد و ضعف و نگرانی او را می پوشاند . بهترین وسیله و موقعیت را برای عقده گشایی و سبکبار شدن در اختیارش می نهد . قدرتی افسانه ای برای فرمانروائی در گروه به دست می آورد .

لذات و لگردی در کوجه و شرکت دربانند ، به سایر تمایلات کودک که به حال خود واگذار شده توش و توان می بخشد و آنها را برسیانگیزد . کودک به کجروی می افتد برای تهیه پول به رفتار ضد اجتماعی روی آورد . سرقتها ارتكابی تمایلات نوینی را در او دامن میزند ، به استقبال خطر می رود و از آن احساس لذت میکند به هیجان می آید . خود را وابسته به دوستان سورد تأیید و حمایت و احترام آنان حس میکند . او ، دیگر ، یک قهرمان است و همه جا صحبت از اوست .

واکنشهای ضد اجتماعی او به سرعت گسترش می یابد تا بدانحدکه دیگر تلاشهای تربیتی والدین قادر نخواهد بود از مخاطرات زهرآگین و مسری تمایلات پرخاشگری تجاوز و خرابکاری او جلوگیری نماید . این تمایلات ، بی گمان ، مربوط به سنین نوجوانی است که باید در اثر انضباط و تربیت مهار گردند و به مسیر دیگری افتند و به بیروهای خلاق و سازنده تبدیل گردند تا به

صور ارزشهای اجتماعی و اخلاقی تجلی کنند . ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا - وعملوا الصالحات ... در همین معنی است که خسران انسان کار و روزگار و ستیزه جو درنده خمر بر اثر پرورش و نیرودی ایمان به مقام انسان درستکاری میرسد .

کودک کی که به جان خود رها میشود ، به طور کلی از طرف والدین خویش دچار دونوع کمبود و محرومیت می شود : آنان دست به هیچ نوع اقدام برای بیستگیری و نظارت نمیزنند و برای سازندگی و تربیت او نیز گامی برنمی دارند .

از بررسی عینی اطرافیان نوجوانان بزهرکار ، در اغلب موارد ، مسؤلیت خانوادگی ناشی از ضعف و خود کنامگی والدین به چشم می خورد . پدر و مادر از افتداز خود دست میکشند آنها خودخواه هستند ، از بدل محبت دریغ می ورزند در اندیشه تأمین آرامش خود هستند . از بروز احتمالی جدال و کشمکش بین خودشان بر سر کودک کمترین حساسیت گمان میبرند که کودک باید رفیقی برای آنان باشد . قادر نیستند محبت و نوازش را با قاطعیت و استواری به هم درآیند و تلقی بین آندو ایجاد کنند . « درشتی و نرمی به هم دربه است . » از این روست که شدیدترین خود مداری و خویششن بینی غیر قابل تحمل چهره میگشاید . کودک خود را سرکز جهان می پندارد ، چون خود را فلسفه وجودی آفرینش می یابد فقط خود را صاحب تمام حقوق میداند ، از ضعف والدین خود بهره برداری میکند ، روشهای حقیقی اخاذی را به کار میبرد ، میکوشد آنچه را که یکی به او نداده است از دیگری به دست آورد . به

هنگامیکه در اجرای خواسته‌های خود با مخالفت روبه‌رو شود یا از لذتی محروم گردد به‌هه‌جان می‌آید ، به شدت خشمگین میشود ، امتیازات خود را خواستار میشود ، چنین می‌پندارد که دنیا فرمانبردار اوست. دوست دارد که خود را جالب سازد و مورد توجه جهانیان قرار گیرد . وضع و رفتاری خاص درپیش می‌گیرد ، فیس و افاده میکند . تسهیلاتی برای خود فراهم می‌آورد از سختی‌ها رهائی مییابد . سرقت ، بداندان که گذشت ، برای او وسیله‌ای برای نیل به خواسته‌هایش میگردد . اینگونه کودک

اغلب نه همیشه ، یایگانه فرزند خانواده است یا احتمالاً آخرین کودکی است که در خانواده چشم به دنیا گشوده است .

آری ، مقام و موقعیت کودک در منظومه خانوادگی و عدم توجه والدین به نکات ظریف و دقیق روانشناسی پرورشی کودک تأثیری نامطلوب دارد که در شماره آینده از این مقوله و تحقیقات آلفرد آدلر درباره آن سخن خواهیم گفت .

(1) - Jean CHAZAL , L' enfance délinquante , Paris, P.U.F. , 1967 , p. 17 á 49

(۲) - دکتر مهدی کی‌نیا - علوم جنائی ، جلد سوم : جامعه شناسی جنائی - انتشارات دانشگاه تهران - شماره ۳/ ۱۰۵۵ سال ۱۳۴۶

- صفحات ۱۱۳۸ تا ۱۱۵۳

(3) - Cathartique (4) - Psychothérapique

